

رابطه طلاق عاطفی با تصویر بدنی و کمال‌گرایی

ساره زمانی[✉]، حسن احدی^{**} و پرویز عسگری^{***}

چکیده

در این پژوهش رابطه تصویر بدنی و کمال‌گرایی افراد با میزان طلاق عاطفی آن‌ها در زندگی مشترک بررسی شد. جامعه آماری کلیه زنان و مردان متأهلی بودند که به دلیل مشکلات زناشویی به مراکز مشاوره خانه‌های سلامت در شرق تهران در زمستان ۱۳۹۰ و بهار ۱۳۹۱ مراجعه کردند. روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف و در دسترس بود. پس از تشریح اهداف پژوهش، تکمیل پرسشنامه‌ها توسط افراد گروه نمونه شامل ۲۵۲ نفر (۱۴۶ زن و ۱۰۶ مرد) انجام شد. طرح پژوهش از نوع همبستگی بوده و برای اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش از آزمون طلاق عاطفی رازقی و همکاران (۱۳۸۷)، آزمون تصویر بدنی فیشر (۱۹۷۰) و پرسشنامه کمال‌گرایی هیل (۲۰۰۴) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون بررسی شد. نتایج نشان داد که بین متغیرهای طلاق عاطفی و تصویر بدنی در زنان همبستگی معنادار و منفی وجود دارد. هم‌چنین وجود رابطه معنادار مثبت بین متغیرهای طلاق عاطفی و کمال‌گرایی منفی از دیگر نتایج این پژوهش بوده است.

کلید واژه‌ها

طلاق عاطفی؛ تصویر بدنی؛ کمال‌گرایی منفی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

آمارهای به ثبت رسیده، نشان‌دهنده میزان چشمگیر و رو به افزایش طلاق رسمی، تقریباً در همه استان‌های کشور، حتی استان‌های سنتی، متعصب و مذهبی است و متأسفانه این مسئله نشان می‌دهد که طلاق به صورت امری عادی در بین همه قومیت‌ها نفوذ کرده است (روزنامه جام جم، ۹۰/۵/۱۱، شماره ۳۱۹۲، صفحه ۱۷). اما در این میان «طلاق عاطفی»^۱، پدیده‌ای پنهان و ثبت نشده در زندگی بسیاری از زوج‌هاست که اگر چه زن و شوهر به طور رسمی از هم جدا نمی‌شوند، اما بدون هیچ احساس و عاطفه‌ای نسبت به هم و فقط به صورت هم‌خانه به زندگی خود ادامه می‌دهند (اشرفی، ۱۳۸۸). در این موارد، علل متفاوتی از جمله محدودیت‌های فرهنگی، قومی و اجتماعی مانند چشم و هم‌چشمی‌ها و ترس از حرف مردم، ترس از تنها ماندن، مشکلات اقتصادی و نگرانی از بزرگ کردن فرزندان و غیره، مانع از رسیدن به مرحله طلاق رسمی می‌شود (باستانی و همکاران، ۱۳۸۹). در این حالت پس از مدتی زوجین از نظر عاطفی وارد موقعیت بی‌تفاوتی می‌شوند که آخرین مرحله روابط احساسی بین زن و مرد است. رسیدن به مرحله طلاق عاطفی یا طلاق هیجانی^۲ نیز آسیب‌های جدی و جبران‌ناپذیری را برای خانواده به همراه دارد و متأسفانه در همین زمان است که بیش‌تر انحرافات اخلاقی و آسیب‌های اجتماعی و روانی پیش می‌آید (کنت و پراتر^۳، ۲۰۰۰). رسیدن به مرحله طلاق عاطفی (به‌رغم اینکه بسیاری از این زوجین زندگی خود را با عشق و علاقه شروع می‌کنند) می‌تواند علل مختلفی داشته باشد از جمله: کار و اشتغال بیش از حد، مشکلات اقتصادی و مالی، اختلاف در زمینه مسائل زناشویی و جنسی، داشتن زمینه‌های متفاوت فرهنگی و تربیتی، داشتن سرگرمی‌های متفاوت و عدم توافق بر سر نحوه گذراندن اوقات فراغت و برخی ویژگی‌های شخصیتی مانند خودخواهی‌ها، زیاده‌خواهی‌ها، غرور و لجبازی‌ها، تنوع‌طلبی‌ها، اعتماد به نفس و عزت نفس پایین (باس و شاکلفورد^۴، ۲۰۰۵).

-
1. Affective divorce
 2. Emotional divorce
 3. Kenneth & Prather
 4. Buss & Shackelford

یکی از پیش فرض‌های موجود در پژوهش حاضر در زمینه عوامل تأثیرگذار در کاهش صمیمیت زوجین و رسیدن به جدایی عاطفی، نارضایتی از تصویر بدنی^۱ است. داشتن تصویر بدنی نامناسب و فقدان رضایت از ظاهر جسمانی به وضعیتی اشاره می‌کند که در آن ظاهر کنونی فرد با وضعیت ایده‌آل مورد نظرش فاصله دارد (فاستر و وادن^۲، ۱۹۹۷). ارزیابی نامناسب همسران از بدن‌شان می‌تواند به تدریج بر تمایلات آن‌ها به روابط زناشویی و نحوه تعامل و رفتار آن‌ها با یکدیگر تأثیر گذارد. در جامعه کنونی اهمیت تأثیرگذاری ظاهر جسمانی بر روابط بین فردی انکارناپذیر است به طوری که نارضایتی از آن می‌تواند فرد را دچار اختلالات متعددی کند. پژوهش‌های اخیر نشان‌دهنده وجود همبستگی مثبت معنادار میان نارضایتی بدنی و پیامدهای منفی در سلامت روانی افراد است (میرس و روسن^۳، ۲۰۰۵). افراد دارای تصویر بدنی منفی از احساسات ناخوشایند بیش‌تری رنج می‌برند. تصویر بدنی نامناسب باعث ایجاد مشغله ذهنی مداوم، تنش و اضطراب (گریلو، ویلفلی و برونل^۴، ۱۹۹۴)، افزایش افسردگی، درون‌گرایی، کم‌رویی و احساس تنهایی (کش، جاکاتدر و ویلیامز^۵، ۲۰۰۳)، کاهش رضایت از زندگی (تامپسون^۶، ۲۰۰۴)، کاهش عزت‌نفس و افزایش وابستگی و ترحم جویی (گریلو و همکاران، ۱۹۹۴)، کاهش کیفیت زندگی (شوارتز^۷ و برونل، ۲۰۰۶)، افزایش هراس اجتماعی (فریدمن، استوارت^۸ و برونل، ۱۹۹۸) افزایش وسواس (کش و جاکاتدر و ویلیام، ۲۰۰۴)، سوء مصرف مواد (تامپسون، ۲۰۰۴)، افزایش بی‌اشتهایی و اختلالات خوردن (کش و فلمینگ^۹، ۲۰۰۲) می‌شود.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود نارضایتی بدنی اگرچه مانند سایر عوامل مؤثر بر جدایی عاطفی در خانواده به وضوح قابل مشاهده نیست، اما می‌تواند اثر خود را به صورت پنهان با ایجاد افکار و احساسات ناخوشایند و به دنبال آن انجام‌دادن رفتارهای منفی بر زندگی زوجین

-
1. Body image
 2. Foster & Wadden
 3. Myers & Rosen
 4. Grilo, Wilfley & Brownell
 5. Cash, Jakatdar & Williams
 6. Thompson
 7. Schwartz
 8. Friedman
 9. Fleming

بگذارد (باستانی، گلزاری و روشنی، ۱۳۹۰).

کمال‌گرایی^۱ به معنای داشتن مجموعه‌ای از اهداف و معیارهای سطح بالا برای زندگی است (هماچک^۲، ۱۹۷۸) و به‌طور کلی به دو نوع کمال‌گرایی مثبت (بهنجار، انطباقی، نرمال) و کمال‌گرایی منفی (نابهنجار، غیرانطباقی، نوروژیک، افراطی) تقسیم‌بندی می‌شود (تری شرت^۳، ۱۹۹۵). در کمال‌گرایی مثبت، به رغم اینکه استانداردهای فرد برای عملکرد در سطح بالایی قرار دارد، اما این اهداف منطقی و قابل دسترس وضع می‌شوند. افراد از تلاش برای رسیدن به هدف، بیش‌تر از خود هدف لذت می‌برند. در راه رسیدن به موفقیت و پیشرفت انعطاف‌پذیر هستند و محدودیت‌های شخصیتی و موقعیتی خود را می‌پذیرند (فلت و هویت^۴، ۲۰۰۲). این دیدگاه باعث احساس رضایت و شکوفایی استعدادها می‌شود. در کمال‌گرایی منفی، اهداف غیرواقع‌بینانه و بیش از حد آرمان‌گرایانه هستند و برای رسیدن به اهداف قوانین خشک و انعطاف‌ناپذیری وضع می‌شود. افراد دارای کمال‌گرایی منفی، اشتباه را مساوی شکست می‌دانند به همین دلیل به شدت از اشتباه کردن می‌ترسند. سرزنش و فقدان تأیید دیگران، هراس زیادی در آن‌ها ایجاد می‌کند. دوست دارند در همه زمینه‌ها (شغلی، تحصیلی و حتی ظاهر فیزیکی) بدون عیب و نقص به نظر برسند (استوبر^۵، ۲۰۰۶) متوسط را ارزشمند نمی‌دانند و دارای تفکر همه یا هیچ‌پنداری هستند (گرینسپون^۶، ۲۰۰۸). هیچ وقت کاملاً احساس پیروزی نمی‌کنند و برای موفقیت‌هایشان ارزشی قائل نیستند. درباره توانایی‌های خود تردید دارند. همیشه فاصله زیادی میان عملکرد و استانداردهایشان می‌بینند و به‌طور مداوم خود را سرزنش و به صورت منفی نقد و ارزیابی می‌کنند (فراست^۷ و همکاران، یکی از علل مهم ایجاد کمال‌گرایی منفی در افراد ریشه در تربیت دوران کودکی دارد: سخت‌گیری‌های والدین، تعیین معیارهای سطح بالا و دست‌نیافتنی، تنبیه کودک (سرزنش، تحقیر، مقایسه‌های نابه‌جا) برای رسیدن به این اهداف و نادیده گرفتن موفقیت‌های کوچک

-
1. perfectionism
 2. Hamachek
 3. Terry – short
 4. Flett & Hewitt
 5. Stoeber
 6. Greenspon
 7. Frost

کودک می‌تواند زمینه‌های کمال‌گرایی منفی را در کودکان ایجاد کند (گرینسپون، ۲۰۰۸). در واقع این‌گونه رفتار والدین باعث می‌شود کودک یاد بگیرد که دیگران با توجه به میزان کارایی و موفقیت در انجام کارها به او بها می‌دهند و در صورتی ارزشمند است که مورد قبول و تأیید دیگران قرار بگیرد (فلت و هویت، ۲۰۰۲). آن‌ها از ترس رد شدن، تلاش فراوانی می‌کنند که طبق توقعات والدین زندگی کنند، بنابراین، عزت نفس^۱ کودک از همان دوران بر اساس معیارهای بیرونی پایه‌ریزی می‌شود. این مسئله فرد را نسبت به انتقادات، دیدگاه‌ها و ارزیابی‌های دیگران به شدت حساس و آسیب‌پذیر می‌کند و در نتیجه برای رهایی از این انتقادات ممکن است «کامل بودن» را تنها راه دفاع از خود بداند (رایس^۲ و همکاران ۲۰۱۱). کمال‌گرایی از عوامل اتلاف وقت، انرژی و اختلال در کارکرد روزمره است که مانع از لذت بردن از زندگی می‌شود (تری شرت، ۱۹۹۵). نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که افراد کمال‌گرا در معرض اختلالات روانی و جسمانی متعددی از جمله افسردگی، اضطراب، فوبی اجتماعی، وسواس، عزت نفس پایین، عدم تمرکز بر فعالیت‌ها و کاهش قدرت تجزیه و تحلیل منطقی کارها، بیماری‌های قلبی و عروقی، بی‌اشتهایی روانی و خودکشی قرار می‌گیرند (استور، ۲۰۰۶). پژوهش علیزاده صحرائی و همکاران (۱۳۸۹)، نیز نشان داد که بین نگرانی زیاد توأم با اضطراب، بی‌مسئولیتی عاطفی، درماندگی نسبت به تغییر و اجتناب از مشکلات با کمال‌گرایی منفی رابطه مثبت معنادار وجود دارد.

نتایج مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که ویژگی شخصیتی کمال‌گرایی منفی نقش مهمی در ایجاد مشکلات ارتباطی، عاطفی و تداوم این آسیب‌های روانی بازی می‌کند. افراد کمال‌گرا به دلیل فزون‌خواهی افراطی، استرس‌ها و درماندگی‌های هیجانی بیش‌تری را در زندگی تحمل می‌کنند. انباشته شدن استرس‌ها بر روی هم و انتقال آن به روز و روزهای بعد، کیفیت و میزان رضایت از زندگی را کاهش می‌دهد. با توجه به مطالب عنوان شده سؤال اصلی پژوهش این است که آیا بین متغیرهای تصویر بدنی و کمال‌گرایی با متغیر طلاق عاطفی همبستگی وجود دارد؟ به همین دلیل در این پژوهش سعی شده است این فرضیه بررسی شود که بین کمال‌گرایی و تصویر بدنی به عنوان متغیرهای پیش‌بین و طلاق عاطفی به عنوان متغیر ملاک

همبستگی وجود دارد.

روش

این پژوهش از نوع پژوهش همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر عبارت بود از، کلیه زنان و مردان متأهلی که به دلیل مشکلات زناشویی به مراکز مشاوره خانه‌های سلامت در شرق تهران در زمستان ۱۳۹۰ و بهار ۱۳۹۱ مراجعه کردند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، مبتنی بر هدف و در دسترس است. ۲۶۹ نفر پس از انتشار فراخوان به صورت داوطلبانه برای شرکت در پژوهش اعلام آمادگی کردند. پس از تشریح اهداف پژوهش، تکمیل پرسشنامه‌ها انجام شد. محقق برای کاهش مشکلات ناشی از افت نمونه، هر سه پرسشنامه را در یک مرحله بر هر آزمودنی اجرا کرد. هم‌چنین برای جلوگیری از افت روایی یافته‌ها به دلیل خستگی و بی‌حوصلگی آزمودنی‌ها، پرسشنامه‌ها با فواصل زمانی متناسب برای هر آزمودنی اجرا شد. تعداد ۱۷ پرسشنامه به دلیل ناقص بودن اطلاعات، کنار گذاشته شد و داده‌های ۲۵۲ پرسشنامه (۱۴۶ زن و ۱۰۶ مرد) وارد مرحله تجزیه و تحلیل آماری شد.

در پژوهش حاضر از ابزارهای زیر استفاده شد:

آزمون طلاق عاطفی: در این پژوهش از آزمون طلاق عاطفی رازقی و همکاران (۱۳۸۷)، استفاده شد. این پرسشنامه ۱۵۰ سؤال ۵ ارزشی دارد. بخش نخست شامل ۵۲ سؤال ۵ ارزشی (بسیار زیاد = ۱، زیاد = ۲، متوسط = ۳، کم = ۴، بسیار کم = ۵)، بخش دوم شامل ۴۳ سؤال ۵ ارزشی (کاملاً موافقم = ۱، موافقم = ۲، نه موافق نه مخالف = ۳، مخالفم = ۴، کاملاً مخالفم = ۵) و بخش سوم شامل ۵۵ سؤال ۵ ارزشی (همیشه = ۱، بیش تر اوقات = ۲، بعضی اوقات = ۳، به ندرت = ۴، هرگز = ۵) است. برای بررسی سازه آزمون از مدل تحلیل آماری با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی استفاده شد و با توجه به اینکه مقیاس موازی برای بررسی و محاسبه روایی ملاکی تمامی ۱۵ مقیاس تدوین شده در پرسشنامه در دست نبوده است، برای تعیین روایی هر یک از مقیاس‌ها نیز از روش تحلیل عاملی استفاده شد. برای بررسی پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که ضرایب برای مقیاس‌های پانزده‌گانه پرسشنامه بین ۰/۶۰ تا ۰/۹۶ برآورد شد. روایی پرسشنامه نیز برای هر کدام از خرده‌مقیاس‌ها

به وسیله تحلیل عاملی بررسی شده است که درصد واریانس مشترک تبیین شده به وسیله پرسش‌های هر مقیاس بین ۳۱ تا ۶۴٪ است که معرف روایی سازه پرسشنامه برای سنجش عامل‌های مربوط به طلاق عاطفی است. هم‌چنین در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های ۱۵‌گانه پرسشنامه بین ۰/۶۰ تا ۰/۸۲ برآورد شد و پایایی بازآزمایی در فاصله‌ای ۴ هفته‌ای برابر با ۰/۷۴ به دست آمد.

آزمون تصویر بدنی: در این پژوهش از آزمون تصویر بدنی فیشر (۱۹۷۰) استفاده شد که ۴۶ ماده ۵ ارزشی دارد. هر ماده دارای ارزشی بین ۱ تا ۵ (خیلی نارضی = ۱، نارضی = ۲، متوسط = ۳، راضی = ۴، خیلی راضی = ۵) است. کسب نمره ۴۶ در این آزمون نشان‌دهنده اختلال و نمره بالاتر از ۴۶ و هر چه بالاتر (حداکثر ۲۳۰)، عدم اختلال را نشان می‌دهد. حیطه‌های مورد سنجش در این آزمون شامل سر و صورت با ۱۲ ماده، اندام‌های فوقانی شامل ۱۰ ماده و اندام‌های تحتانی شامل ۶ ماده است. ۱۸ ماده دیگر نگرش آزمودنی را نسبت به ویژگی‌های کلی بدن می‌سنجند. اعتبار این آزمون را یزدانجو (۱۳۷۹)، در ایران بررسی کرده است. ضریب همبستگی محاسبه شده آزمون در دو اجرا به روش پیرسون برابر با ۰/۸۴ است که با توجه به سطح معناداری این ضرایب با اطمینان ۹۹٪ می‌توان پذیرفت که بین نمرات حاصل از اجرای اول و دوم همبستگی معنادار وجود دارد و آزمون از اعتبار بالایی بهره‌مند است. هم‌چنین در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۳ به دست آمد و پایایی بازآزمایی در فاصله‌ای ۴ هفته‌ای برابر با ۰/۶۹ به دست آمد.

پرسشنامه کمال‌گرایی: در این پژوهش پرسشنامه کمال‌گرایی هیل^۱ و همکاران (۲۰۰۴)، به کار برده شد. این پرسشنامه ۵۹ سؤال و ۸ خرده مقیاس دارد. خرده مقیاس‌های این پرسشنامه عبارت هستند از: ۱ - تمرکز بر اشتباهات^۲ (cm)، ۲ - نیاز به تأیید^۳ (NA)، ۳ - نشخوار فکر^۴ (R)، ۴ - ادراک فشار از سوی والدین^۵ (ppp)، ۵ - سازماندهی و نظم^۶ (O)

-
1. Hill
 2. Concern over mistakes
 3. Need for approval
 4. Rumination
 5. Perceived parental pressure
 6. Organization

۶- هدفمندی^۱ (p)، ۷- معیارهای بالا برای دیگران^۲ (Hso) و ۸- تلاش برای عالی بودن^۳ (SE). از دیدگاه هیل و همکاران ابعاد ۱ تا ۴ جنبه‌های منفی و ابعاد ۵ تا ۸ جزو جنبه‌های مثبت کمال‌گرایی به شمار می‌روند. نسخه فارسی کمال‌گرایی با ۵۸ سؤال و ۶ زیرمقیاس توسط هومن و سمائی (۱۳۸۹)، در نمونه ایرانی اعتباریابی، رواسازی و هنجاریابی شده است. ضریب آلفای کرونباخ کل مجموعه که شاخصی برای اعتبار پرسشنامه است برابر با ۰/۹۲۶ محاسبه شده و مقدار ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده بین دو بار اجرا برابر با ۰/۷۳۶ بوده که این مقدار در سطح کم‌تر از ۰/۰۰۱ از لحاظ آماری معنادار است. هم‌چنین در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ عبارت است از ۰/۶۶ و پایایی بازآزمایی این پرسشنامه در فاصله ۴ هفته‌ای برابر با ۰/۶۳ به دست آمد. در این نمونه، هدفمندی، سازماندهی و تلاش برای عالی بودن از خرده‌مقیاس‌های کمال‌گرایی انطباقی و حساسیت بین فردی، استانداردهای بالا برای دیگران و ادراک فشار از سوی والدین از خرده‌مقیاس‌های غیرانطباقی است.

یافته‌ها

از آن‌جا که پژوهش بر مبنای مطالعات همبستگی بود از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون هم‌زمان استفاده شد. نتایج تفصیلی این محاسبه‌ها در دو قسمت توصیف و تحلیل داده‌ها در جداول زیر ارائه شده است.

بر اساس اطلاعات جدول ۱ در خصوص توزیع نمره‌های کل آزمودنی‌ها در آزمون‌های کمال‌گرایی، تصویر بدنی و طلاق عاطفی، شاخص‌های مختلف توصیفی اعم از میانگین، انحراف معیار، شاخص‌های کجی و کشیدگی نشان می‌دهد که توزیع نمره‌های گروه نمونه به توزیع نرمال میل دارد. هم‌چنین بر اساس اطلاعات جدول ۲ در خصوص توزیع نمره‌های آزمودنی‌های مرد و جدول ۳ در خصوص توزیع نمره‌های آزمودنی‌های زن در آزمون‌های کمال‌گرایی، تصویر بدنی و طلاق عاطفی نشان می‌دهد که توزیع نمره‌های گروه نمونه به توزیع نرمال میل دارد.

-
1. Planfulness
 2. High standards for others
 3. Striving for excellence

در خصوص نحوه کنترل داده‌های پرت، توصیف داده‌ها از طریق اکسپلورر داده‌های مربوط به آزمودنی‌های شماره ۳۳ و ۵۸ را در متغیر کمال‌گرایی مثبت به عنوان داده پرت، نشان داد. اما، با توجه به اینکه نتیجه آزمون حساسیت با حذف داده‌های این دو آزمودنی تغییری در نتیجه گزارش شده نشان نداد از کل داده‌ها حذف نشدند.

جدول ۱: خلاصه شاخص‌های آماری مربوط به نمره‌های کل شرکت کنندگان در آزمون‌های کمال‌گرایی (منفی و مثبت)، تصویر بدنی و طلاق عاطفی (N=۲۵۲)

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
کمال‌گرایی مثبت	۹۱/۸۹	۱۴/۱۷	۰/۰۰۶	-۰/۸۲۶
کمال‌گرایی منفی	۵۱/۷۸	۸/۰۹	-۰/۸۳۲	۰/۹۰۹
تصویر بدنی	۱۳۵/۴۴	۳۲/۵۳	-۰/۱۸۸	-۱/۳۵۱
طلاق عاطفی	۵۲۵/۹۳	۳۴/۶۶	۰/۲۵۳	-۰/۸۷۱

جدول ۲: خلاصه شاخص‌های آماری مربوط به نمره‌های شرکت کنندگان مرد در آزمون‌های کمال‌گرایی (منفی و مثبت)، تصویر بدنی و طلاق عاطفی (n=۱۰۶)

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
کمال‌گرایی منفی	۹۱/۷۲	۱۳/۸۲	۰/۰۸۱	-۰/۸۳۱
کمال‌گرایی مثبت	۵۱/۸۴	۸/۳۷	-۰/۸۶۰	۰/۸۷۶
تصویر بدنی	۱۶۹/۷۴	۴/۳۲	-۰/۳۷۶	۰/۲۶۳
طلاق عاطفی	۵۱۶/۵۶	۲۳/۳۳	۰/۲۳۵	-۰/۲۹۱

جدول ۳: خلاصه شاخص‌های آماری مربوط به نمره‌های شرکت کنندگان زن در آزمون‌های کمال‌گرایی (کمال‌گرایی مثبت و منفی)، تصویر بدنی و طلاق عاطفی (n=۱۴۶)

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
کمال‌گرایی منفی	۹۲/۰۲	۱۴/۴۷	-۰/۰۴۴	-۰/۸۱۵
کمال‌گرایی مثبت	۵۱/۷۳	۷/۹۱	-۰/۸۱۸	۱/۰۰۴
تصویر بدنی	۱۱۰/۵۵	۱۸/۳۰	-۰/۲۳۰	-۰/۱۲۷
طلاق عاطفی	۵۳۲/۷۳	۳۹/۶۹	-۰/۱۹۰	-۱/۰۷۹

ابتدا با استفاده از روش ضریب همبستگی پیرسون، همبستگی متغیرهای پیش‌بین (کمال‌گرایی و تصویر بدنی) و ملاک (طلاق عاطفی) ارزیابی شدند (جدول ۴).

جدول ۴: خلاصه نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرها (N=۲۵۲)

متغیرها	طلاق عاطفی
کمال‌گرایی منفی	۰/۳۴۳**
کمال‌گرایی مثبت	-۰/۰۸۳
تصویر بدنی	-۰/۲۵۲**

** p < ۰/۰۱

جدول ۴ ضرایب همبستگی بین متغیرهای پیش‌بین (کمال‌گرایی و تصویر بدنی) و ملاک (طلاق عاطفی) را در کل آزمودنی‌ها نشان می‌دهد. نتایج حاکی از آن است که بین متغیر تصویر بدنی و طلاق عاطفی همبستگی منفی وجود دارد (p < ۰/۰۱). هم‌چنین بین کمال‌گرایی منفی و طلاق عاطفی همبستگی مثبت معنادار وجود دارد.

در ادامه بر اساس مدل رگرسیون، به منظور شناسایی و تعیین سهم هر کدام از متغیرهای پیش‌بین (تصویر بدنی و کمال‌گرایی) در پیش‌بینی متغیر ملاک (طلاق عاطفی)، همراه با کنترل سهم سایر متغیرها، ترکیب خطی متغیرهای پیش‌بین برای پیش‌بینی متغیر ملاک به کار رفت. همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود مقدار R^2 به دست آمده (۰/۱۷۵) بدین معنی است که ۱۷/۵٪ از واریانس متغیر طلاق عاطفی توسط متغیرهای پیش‌بین تبیین می‌شود. به عبارت دیگر ۱۷/۵٪ از پراکندگی مشاهده شده در متغیر طلاق عاطفی توسط این متغیرها توجیه می‌شود. علاوه بر این نسبت F محاسبه شده (۹/۹۵۹) در سطح اطمینان حداقل ۹۹٪ معنادار است. بنابراین، می‌توان با مراجعه به آماره t و سطوح معناداری قضاوت کرد که بین متغیر تصویر بدنی و کمال‌گرایی منفی با متغیر طلاق عاطفی همبستگی معنادار است.

جدول ۵: خلاصه تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی طلاق عاطفی براساس متغیرهای کمال‌گرایی منفی و مثبت و تصویر بدنی (N= ۲۵۲)

Sig	t	متغیر وابسته: طلاق عاطفی		پیش‌بینی کننده ها
		ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده	
۰/۰۰۰	۲۵/۳۴۰**	-	۵۷۹/۵۵۴	عدد ثابت
۰/۰۰۰	۴/۴۸۹**	۰/۲۳۰	۰/۲۷۳	کمال‌گرایی منفی
۰/۱۴۳	-۱/۴۶۹	-۰/۰۹۰	-۰/۳۸۶	کمال‌گرایی مثبت
۰/۰۰۰	-۴/۶۰۱**	-۰/۲۸۰	-۰/۲۹۸	تصویر بدنی

$R^2 = ۰/۱۷۵$ ؛ $F = ۹/۹۵۹**$ ؛ $R^2 = ۰/۱۷۶$ ؛ $R = ۰/۴۲۱$ ؛ تعدیل شده؛

** معنادار در سطح ۰/۰۱

هم چنین با استفاده از روش ضریب همبستگی پیرسون، همبستگی متغیرهای کمال‌گرایی و تصویر بدنی با متغیر طلاق عاطفی به تفکیک جنسیت ارزیابی شد. جدول ۶ ضرایب همبستگی بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک را در آزمودنی‌های زن و مرد نشان می‌دهد. نتایج حاکی از این است که بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک به تفکیک جنسیت، بین تصویر بدنی و طلاق عاطفی در زنان همبستگی منفی و معنادار وجود دارد ($p < ۰/۰۵$). هم‌چنین بین کمال‌گرایی منفی و طلاق عاطفی در هر دو جنس همبستگی مثبت معنادار وجود دارد ($p < ۰/۰۵$).

جدول ۶: خلاصه نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرها

متغیرها	طلاق عاطفی (مردان) n=۱۰۶	طلاق عاطفی (زنان) n=۱۴۶
کمال‌گرایی منفی	۰/۱۸۳*	۰/۱۹۳*
کمال‌گرایی مثبت	-۰/۱۲۳	-۰/۰۷۰
تصویر بدنی	-۰/۰۳۷	-۰/۱۸۶*

* معنادار در سطح ۰/۰۵

در ادامه برای بررسی این فرضیه که بر اساس کمال‌گرایی و تصویر بدنی (متغیرهای

پیش‌بین) در مردان و زنان می‌توان طلاق عاطفی (متغیر ملاک) آن‌ها را پیش‌بینی کرد، با توجه به تعداد و نوع متغیرها (کمی) از روش تحلیل رگرسیون چندگانه به طور جدا برای هر دو جنس استفاده شد.

جدول ۷: خلاصه تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی طلاق عاطفی مردان براساس متغیرهای کمال‌گرایی منفی و مثبت و تصویر بدنی ($n=106$)

Sig	F	متغیر وابسته: طلاق عاطفی مردان		
		R^2 تعدیل شده	R^2	R
۰/۵۹۷	۰/۶۳۰	۰/۰۲۸	۰/۰۲۹	۰/۱۶۹

همان طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، مقدار R^2 تعدیل شده به دست آمده (۰/۰۲۸) بدین معنی است که تنها ۲/۸٪ از واریانس متغیر طلاق عاطفی مردان توسط متغیرهای پیش‌بین یعنی کمال‌گرایی (منفی و مثبت)، تصویر بدنی تبیین می‌شود. به عبارت دیگر، ۲/۸٪ از پراکندگی مشاهده شده در متغیر طلاق عاطفی مردان توسط این متغیرها توجیه می‌شود. مقدار R مشاهده شده (۰/۱۶۹) نیز نشان‌دهنده آن است که مدل رگرسیون خطی حاضر نمی‌تواند برای پیش‌بینی استفاده شود. علاوه بر این، نسبت F محاسبه شده (۰/۶۳۰) در سطح اطمینان حداقل ۹۵٪ معنادار نیست.

جدول ۸: خلاصه تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی طلاق عاطفی زنان براساس متغیرهای کمال‌گرایی منفی و مثبت و تصویر بدنی ($n=146$)

Sig	F	متغیر وابسته: طلاق عاطفی زنان		
		R^2 تعدیل شده	R^2	R
۰/۰۶۹	۴/۴۱۱*	۰/۱۴۸	۰/۱۵۲	۰/۳۹۰

همان طور که در جدول ۸ مشاهده می‌شود، مقدار R^2 تعدیل شده به دست آمده (۰/۱۴۸) بدین معنی است که ۱۴/۸٪ از واریانس متغیر طلاق عاطفی زنان توسط متغیرهای پیش‌بین

یعنی کمال‌گرایی (منفی و مثبت)، تصویر بدنی تبیین می‌شود. به عبارت دیگر، ۱۴/۸٪ از پراکندگی مشاهده شده در متغیر طلاق عاطفی زنان توسط این متغیرها توجیه می‌شود. مقدار R مشاهده شده (۰/۳۹۰) نیز نشان‌دهنده آن است که مدل رگرسیون خطی حاضر می‌تواند برای پیش‌بینی استفاده شود. علاوه بر این، نسبت F محاسبه شده (۴/۴۱۱) در سطح اطمینان حداقل ۹۵٪ معنادار است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیرهای مورد مطالعه و متغیر طلاق عاطفی در زنان همبستگی معنادار وجود دارد. و همان‌طور که مشاهده می‌شود مقدار سطح معناداری مربوط به سطح معناداری مقدار F که نشان‌دهنده رابطه خطی متغیرهای پیش‌بین با طلاق عاطفی است در حد قابل ملاحظه‌ای است (sig=۰/۰۶۹).

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از یافته‌های پژوهش حاضر وجود رابطه معنادار منفی بین تصویر بدنی و طلاق عاطفی در نمونه زنان است. بدین معنی که رضایت کم‌تر از ظاهر جسمانی در زنان می‌تواند با مشکلات عاطفی در روابط با همسران‌شان همراه باشد. نتایج پژوهش تامپسون (۲۰۰۴)، کش و ویلیامز (۲۰۰۳)، کش و فلمینگ (۲۰۰۲)، میرس و روسن (۲۰۰۵)، نیز نشان داد که بین میزان نارضایتی از تصویر بدنی و ظاهر فیزیکی در افراد و پیامدهای منفی در سلامت روانی همبستگی معنادار وجود دارد، چرا که افراد دارای تصویر بدنی منفی نسبت به این مسئله مشغله ذهنی مداوم دارند و احساسات ناخوشایند بیش‌تری مانند اضطراب و افسردگی، احساس تنهایی و کمبود عزت نفس آن‌ها را رنج می‌دهد، که به طور قطع این مسئله کیفیت تعامل فرد با اطرافیان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. پژوهش شوارتز و برونل (۲۰۰۶) و فاستر و وادن (۱۹۹۷) نیز تأثیر منفی نارضایتی از ظاهر جسمانی بر کاهش رضایت از زندگی و تنزل کیفیت آن را مشخص کرده است. بنابراین، با توجه به تحقیقات پیشین در این پژوهش معنادار شدن همبستگی میان طلاق عاطفی و تصویر بدنی منطقی به نظر می‌رسد. اما این ارتباط و همبستگی فقط در گروه نمونه زنان معنادار شد و نتایج تحلیل آماری حاکی از فقدان تأیید فرضیه دیگر پژوهش است که مبتنی بر وجود رابطه معنادار میان طلاق عاطفی و تصویر بدنی در مردان بود. فرند و چامپلی^۱ (۲۰۰۹)، در پژوهش خود نشان دادند که الگوها و هنجارهایی

که رسانه‌ها برای لاغری و زیبایی عرضه می‌کنند در ایجاد اختلال تصویر ذهنی بدنی به ویژه در زنان تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارد. آنیس^۱ و همکاران (۲۰۰۴)، اعلام کردند که نارضایتی بدنی یک مؤلفه فراگیر در خودانگاره زنان است که اغلب اظهار می‌شود. پژوهش روسن و ریتر^۲ (۱۹۹۵)، نشان داد که زنان اغلب با میزان جذابیت جنسی خود درگیری ذهنی دارند و در این مورد نگران هستند و در بسیاری از موارد این مسئله باعث فاصله گرفتن آن‌ها از جنس مخالف می‌شود. در زمینه پژوهش‌های مربوط به تصویر بدنی و جنسیت می‌توان به پژوهش‌های احمدی و همکاران (۱۳۸۹)، اشاره کرد که به مقایسه شیوع نارضایتی از تصویر بدنی در زنان و مردان اقدام کرده‌اند و نتایج نشان داد که مردان نسبت به داشتن وزن و اندازه خاصی برای بدن کم‌تر از زنان حساس هستند. یافته‌های پژوهش آنیس و همکاران (۲۰۰۴)، نشان می‌دهد که داشتن تصویر ذهنی منفی از بدن و احساس شرمندگی از ظاهر فیزیکی ممکن است میل جنسی همسران را کاهش دهد و در روابط خانوادگی همسران اختلال ایجاد کند.

بنابراین، یک نتیجه کلی از پژوهش‌های عنوان شده نشان می‌دهد که فقدان رضایت از ظاهر جسمانی که در زنان فراگیرتر است، می‌تواند باعث ایجاد نگرش و احساسات منفی آن‌ها نسبت به خودشان و به دنبال آن تنزل عزت نفس و اعتماد به نفس حتی در روابطشان با دیگران شود. آن‌ها انعکاس این دیدگاه منفی را در نگاه، ارزیابی و رفتار دیگران نسبت به خود هم جستجو می‌کنند (حتی اگر مبتنی بر واقعیت نباشد) و این به ایجاد سوء تفاهم و برداشت‌های غیر واقع بینانه ذهنی نسبت به رفتار کلامی و غیر کلامی دیگران منجر خواهد شد که به طور خاص، بعد عاطفی روابط (به ویژه با همسر) را مورد هدف قرار می‌دهد. این پیامد با نتایج تحقیقات پیشین همسو و منطبق است.

یکی دیگر از نتایج پژوهش حاضر وجود رابطه معنادار مثبت بین متغیر کمال‌گرایی منفی و طلاق عاطفی است. نتایج مطالعات هماچک (۱۹۷۸)، تری شرت و همکاران (۱۹۹۵)، فلت و هویت (۲۰۰۲) و استوبر و جولیان^۳ (۲۰۱۰) حاکی از آن است که افراد دارای کمال‌گرایی منفی به دلیل داشتن ویژگی‌های خاص رفتاری و فکری در معرض برخی اختلالات روانی و

-
1. Annis
 2. Rosen & Reiter
 3. Stoeber & Julian

جسمانی قرار می‌گیرند از جمله افت عزت نفس، وسواس، افسردگی، اضطراب و احساس ناکامی که این موارد به نوبه خود بر نحوه ارتباط و تعامل عاطفی آن‌ها با دیگران و هم‌چنین در ارتباط با همسر مؤثر است. تحقیقات فراست و همکاران (۱۹۹۳)، استویر و اوتو^۱ (۲۰۰۶)، گرینسپون (۲۰۰۸) و رایس و همکاران (۲۰۱۱) نشان می‌دهد که ترس زیاد افراد کمال‌گرا به خاطر اشتباه کردن، مورد قضاوت منفی قرار گرفتن و عدم دریافت تأیید توسط دیگران باعث می‌شود که در ارتباط‌های‌شان با دیگران صادق به نظر نرسند و رفتارهای خاص آن‌ها باعث ناراحتی اطرافیان شده و این مسئله تعاملات‌شان با دیگران را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین دلیل ارتباط این ویژگی با مشکلات خانوادگی و جدایی عاطفی از همسر منطقی به نظر می‌رسد.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به محدود بودن جامعه آماری (افراد متأهل مراجعه کننده به مراکز خانه سلامت در شرق تهران) اشاره کرد. به همین دلیل در تعمیم نتایج به شرایط دیگر باید با احتیاط عمل کرد. علاوه بر آن لازم است به این محدودیت توجه شود که نتایج حاصل از این پژوهش، مبتنی بر همبستگی است، لذا تفسیر علت و معلولی از نتایج صحیح نخواهد بود. هم‌چنین انتخاب در دسترس نمونه پژوهش نیز از جمله محدودیت‌هایی هستند که در هنگام استنباط از یافته‌های این مطالعه، توجه به آن‌ها اهمیت دارد.

در پایان از آن جا که نتیجه اصلی پژوهش حاضر وجود رابطه معنادار بین برخی از ویژگی‌های شخصیتی افراد از جمله: رضایت از تصویر بدنی و کمال‌گرایی منفی با طلاق عاطفی است و از طرفی عنوان شد که نحوه رفتار و تربیت والدین و الگوهایی که در رسانه‌ها و به دنبال آن در عرف ارائه می‌شود، به شدت بر نحوه شکل‌گیری این ویژگی‌ها اثر دارد و بدیهی است که در نهایت دختران و پسران با این ویژگی‌ها وارد زندگی مشترک شده و نوع شکل‌گیری این ویژگی‌ها بر سلامت روانی افراد و مطمئناً بر سلامت روانی خانواده و عدم ایجاد فاصله عاطفی و کاهش صمیمیت زوجین اثر می‌گذارد. بنابراین، ارائه برنامه‌هایی که جنبه پیشگیری و مداخله‌ای داشته باشد، نظیر برگزاری کارگاه‌های آموزشی از طرف کارشناسان و متخصصان در زمینه مهارت‌های زندگی به‌ویژه آگاهی از نقاط ضعف و قوت بدن و نحوه

پذیرش و کنار آمدن با آن‌ها، به‌خصوص برای گروه دختران نوجوان و جوان در مقاطع راهنمایی و دبیرستان می‌تواند اثر زیادی در کاهش نگرانی‌ها و نارضایتی از تصویر بدنی داشته باشد. هم‌چنین دادن آگاهی به والدین در زمینه‌های تربیتی (مانند تعیین سطح ایده‌آل توقعات‌شان، نحوه تشویق و تنبیه فرزندان و غیره) در قالب برگزاری کارگاه‌هایی در مدارس فرزندان‌شان، می‌تواند تا حدودی مانع از شکل‌گیری کمال‌گرایی منفی در افراد شود. به‌طور قطع اجرای پژوهش‌های پیش‌تری در زمینه تأثیرگذاری این عوامل بر طلاق عاطفی لازم است، تا بتوان درک دقیق‌تری از آن به دست آورد.



منابع

- احمدی، شیرکو، یوسفی، بهرام و حیرانی، علی (۱۳۸۹). تصویر بدنی و جنسیت. مجموعه مقالات سومین کنگره انجمن روان‌شناسی ایران. ۴۲ - ۴۰.
- اشرفی، فریفته (۱۳۸۸). بررسی جامعه‌شناختی طلاق عاطفی (مطالعه موردی منطقه ۶ تهران). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم و تحقیقات تهران.
- باستانی، سوسن، گلزاری، محمود و روشنی، شهره (۱۳۸۹). بررسی علل و سبب‌شناسی طلاق هیجانی، فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۱ شماره ۳، صفحه ۲۰-۱.
- باستانی، سوسن، گلزاری، محمود و روشنی، شهره (۱۳۹۰). پیامدهای طلاق عاطفی و استراتژی‌های مواجهه با آن، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال هفتم، شماره ۲۶، ص ۲۴۱.
- رازقی، نرگس، غباری بناب، باقر و مظاهری محمد علی (۱۳۸۵). مهد کودک و سبک‌های دلبستگی کودکان: پژوهشی در خانواده‌های تهرانی، تازه‌های علوم شناختی، شماره ۱، ۳۸-۴۶.
- علیزاده صحرايي، ام هانی، خسروی، زهره و بشارت، محمد علی (۱۳۸۹). رابطه باورهای غیرمنطقی با کمال‌گرایی مثبت و منفی در دانش‌آموزان شهرستان نوشهر، فصلنامه مطالعات روان‌شناختی، دوره ۶، شماره ۱، ص ۹ - ۴۲.
- Annis ,N. M. , Cash , T. F , & Hrabosky , J. I. (2004) , Body image and psychological differences , *An International Journal of Research* , 1 , 155 - 167.
- Buss , D. M , & Shackelford , T. D (2005) , " How To Save A Marriage: Different Gender Strategies To Save Relationship " , *Journal of Personality and Social Psychology* , Vol. 72, No. 2.
- Cash , T. F. , & Fleming , E. C , (2002) , The impact of body image experience : Developmental of the body image Quality of life Inventory. *International journal of eating Disorder* , 31 , 455 - 460.
- Cash , T. F. , Jakatdar , T. A. , & Williams , E. F. (2003). the body image Quality of life Inventory : Further validation with college men and women. *Body Image* , 1 , 279 - 287.
- Cash , T. F. , Jakatdar , T. A. , & Williams , E. F. (2004). The assessment of body - image. *International journal of eating Disorder* , 35 , 305 - 316.
- Flett, G. L , Hewitt , P. L. (2002). Perfectionism. Washington , DC: *American Psychological Association*. pp. 5-31.
- Frost, R. O. , Heimburg , R. G. Holt , C. S. Mattia , J. I. , Neubauer, A. A. (1993) , "A comparison of two measures of perfectionism.", *Personality and Individual Differences* ,14, 469 - 489.
- Foster , G. D , & Wadden , T. A. (1997). Body image before , during and after weight loss treatment. *Health Psychological Journal* , 16 , 226 - 229.

- Friedman , M. A , Schwartz , M. B , & Brownell , K. D (1998) , psychological correlates of weight cycling. *Journal of Consult clinical psychology* , 66 , 646 – 650.
- Ferrand , C. & Champely , S. (2009) , The role of body – esteem in predicting disorder , *psychology of sport and Exercise* , 10 , 373 – 380.
- Grilo , C. M. , Wilfley , D. E. & Brownell , K. D. (1994) . Body image and self – esteem in a clinical sample of obese woman. *Addiction behavior* , 19 , 443 – 450
- Greenspon, T. S. (2008). Making sense of error : A view of the origins and treatment of perfectionism. *American Journal of Psychotherapy* , 62, 263-282.
- Hamachek , D. E. (1978) , "Psychodynamics of normal and neurotic perfectionism", *Psychology journal* , 15, 27–33.
- Kenneth , E. & Prather , S. R , (2000). Paradim for affective divorce case management. Advance level family law semiar in Michigan.
- Myers , A. (2005). Relation to mental health symptoms , body image and self – esteem. , *An International Journal of behavior* , 23 , 221 – 230.
- Rice , Kenneth G. Ashby , Jeffrey S ., & Gilman , Rich , (2011). "Classifying adolescent perfectionists." *Psychological Assessment* , 23, 563–577.
- Rosen , M. & Riter , A. (1995) , body image and self – esteem in female , *Journal of Consult clinical psychology* , 58 , 587 – 596.
- Schwartz , M. B , & Brownell , K. D. (2006). Obesity and body image. *An International Journal of Research* , 1 , 43 – 56.
- Stoeber , J., & Julian , H. (2010). "The Assessment of Self-Oriented and Socially Prescribed Perfectionism : Subscales Make a Difference". *Journal of Personality Assessment* , 6 , 577–585.
- Stoeber, J , Otto , K. (2006). "Positive Conceptions of Perfectionism: Approaches, Evidence, Challenges". *Personality and Social Psychology Review*, 10 , 295–319.
- Terry-short , L. A. , Owens , R. G. , Salde. P. D , & Dewey , M. E. (1995). positive and negative perfectionism. personality and individual difference. 18 , 663 – 668.
- Thompson , J. K. (2004) , the measurement of body image , *An International Journal of Research* , 1 , 7 – 14.